

مطابق شماره

www.ketab.ir

۱۳۹۹



انتشارات علم و فرهنگ

سرشناسه: ژسی، آلدو، ۱۹۳۱ - ۱۹۹۷ م. Rossi, Aldo.
 عنوان و نام پدیدآور: معماری شهر / آلدو ژسی؛ شمین گلرخ؛ ویراستار زهره هدایتی بیدهندی.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۶-۶۵۸-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: *The architecture of the city*, 1982.

موضوع: شهرسازی

City planning

موضوع: معماری

Architecture

شناسه افزوده: گلرخ، شمین، مترجم

شناسه افزوده: هدایتی بیدهندی، زهره، ویراستار

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

Elmi - Farhangi Publishing

ردیف: ۹۰۳۱/۹م ۶۱۳۹۷

بندی دیویی: ۷۱۱/۴

شماره ثبت کتابخانه ملی: ۵۲۹۷۵۸۱

معماری شهر

نویسنده: آلدو ژسی

ترجمه: شمین گلرخ

(عضویت علمی دانشگاه تهران)

ویراستار:

زهره هدایتی بیدهندی

مدیر هنری:

امید محکمی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: کتیبه

چاپ نخست: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

www.elmifarhangi.ir | info@elmifarhangi.ir

www.elmifarhangi.com فروش آنلاین

ایمیل دفتر پروژه های ویژه specialprojects@elmifarhangi.ir

WWW

فهرست مطالب

پیشگفتار یکم ۸

پیشگفتار دوم ۱۰

مقدمه: آثار شهری و نظریه‌ای درباره‌ی شهر ۱۳

فصل دوم: عناصر اولیه و مفهوم عرصه‌ی اثر شهری

محدوده‌ی مطالعه ۵۵

حوزه‌های مسکونی به مثابه محدوده‌های مطالعه ۵۷

تک‌بنای مسکونی ۶۲

گونه‌شناسی ساخت‌وسازهای مسکونی در برلین ۶۵

باغشهر و شهرتابان ۷۴

عناصر اولیه ۷۸

پویایی عناصر شهری ۸۰

تداوم شهرباستانی ۸۱

فرایندهای دگردیسی ۸۶

جغرافیا و تاریخ: خلقت انسانی ۸۹

فصل اول: ساختار متشکل از آثار شهری

فردیت آثار شهری ۲۱

اثر شهری به مثابه کانسپشن هنری ۲۴

پرسش‌های گونه‌شناختی ۳۲

نقد کارکرد خرابی سطحی ۳۸

مسائل دسته‌بندی ۴۰

پیچیدگی آثار شهری ۴۷

بناهای یادمانی و نظریه‌ی تداوم ۴۹

فصل چهارم: تکوین آثار شهری

شهریه به مثابه عرصه‌ی عمل نیروهای مختلف؛ علم اقتصاد ۱۳۱

عربی و ریس هالب‌واکس ۱۳۳

تأمین بیشتر طبیعت مصادره ۱۳۶

تاریخ زمین ۱۴۵

مسئله مسکن ۱۴۸

مقیاس شهری ۱۵۱

سیاست به مثابه تصمیم‌گیری ۱۵۳

فصل سوم: فردیت آثار شهری؛ معماری

لوکوس ۹۵

معماری به مثابه علم ۹۹

اکولوژی شهری و روان‌شناسی ۱۰۳

عناصر شهری چه‌گونه تعریف می‌شوند ۱۰۶

فوروم رومی ۱۱۱

بناهای یادمانی؛ خلاصه‌ی نقد مفهوم زمینه ۱۱۸

شهریه به مثابه تاریخ ۱۲۰

حافظه‌ی جمعی ۱۲۲

آتن ۱۲۳

معماری را هنری به حساب می‌آورد که ریشه در مدنیت دارد و شهر را با زتاب پیشرفت شعور بشری می‌داند که پویاست و همگام با تاریخ خود زندگی می‌کند. توضیح و حتی اشاره به آن چه رُسی در این کتاب مطرح کرده نه تنها به اطاله‌ی کلام می‌انجامد، بلکه از لطف خواندن این سند تاریخی معماری و شهرسازی می‌کاهد. از این اثر به عنوان سندی تاریخی نام برده شد، زیرا گامی قابل ملاحظه در مسیر تطور اندیشه‌های معماری و شهرسازی است؛ گامی که برداشتن آن ضرورت داشت و از خشت‌های زیرین عمارت اندیشه‌ای بود که افرادی همچون رُسی در ساحت نقد معماری پایه گذاشته‌اند.

کتابی که نام معماری شهر را زینت بخش خود کرده توسط یک معمار جوان آن دوران نوشته شده است. نگارش چنین اثری آن هم در میانه‌ی دهه‌ی سوم زندگی یک متفکر نشان از ژرفای اندیشه‌ی وی دارد و شایسته است که سرمشقی باشد برای نسل جوان ایرانی که مشکلات و مسائل معماری و شهر را شناسایی و در ریشه‌یابی و ارائه‌ی پیشنهادات سازنده بکوشند. در ادامه ذکر چند نکته درباره‌ی این کتاب ضروری می‌نماید. البته این تذکرات نیز، در مسیر اندیشه، روشن و بدیهی شده‌اند، لذا تنها به جهت یادآوری تکرار می‌شوند.

رُسی به‌رغم وسعت دید در مسائل معماری، به‌ناچار در دو محدوده گرفتار مانده بود: نخست تربیت معمارانه‌ی ذهن و دیگری پرچون معرفتی زمانه‌ی خود. این‌که در آن برهه برای معماری تربیت شده بود باعث شد که مطابق شرایط زمانه برای حل مسائل کالبدی چاره بیندیشد. با آن‌که کوشید خود را از این محدودیت برهاند، اما هنوز دل مشغولی اصلی او شاخص کردن فرم و قائل بودن به تسلط فرم یا ظرف در مقابل کارکرد یا محتواست. به زعم وی بنا و شهرظروفی هستند که می‌توانند، به‌رغم ثابت بودن فرم خود، طی زمان کارکردهای مختلفی به خود بگیرند. با آن‌که وی در مقابل فونکسیونالیست‌های زمان خود و شعار «فرم

کتاب پیش رو نوشته‌ی معماری است که در جو حاکم بر سال‌های نضج و رواج مدرنیسم پرورش یافت، اما در عمل و در گذر زمان متوجه تناقض‌های موجود میان نیات و محصولات این مکتب شد. وی ساده‌انگاری و شهرستیزی نهان در جنبش مدرنیسم را لمس کرد و در جایگاه متفکری جوان، نقد و جامعه‌گرا، بخشی از پیامدهایی را که این رویکرد برای حیات شهری در پی داشت معرفی و ریشه‌یابی کرد. زمانی که او لب به اعتراض گشود و در تحلیل علل و عوارض مشکلات ناشی از «نوگرایی» کوشید، که حرف‌فردی از جامعه‌ی معماران آن روزگار برای ریشه‌یابی فضات و نارسایی‌های فکری این مکتب که در طی زمان به یک ایدئولوژی (شناخت کاذب) تبدیل شده بود کوششی کرد. بیشتر منتقدان مدرنیسم از حرفه‌های دیگر به‌ویژه از زرف‌اندیش دیدگاه‌م انسانی این مکتب را به چالش می‌کشیدند و تعداد معماران معتقد به نقص این ایدئولوژی جدید نیز انگشت‌شمار بود. برخی تنها اعتراض می‌کردند و ناخشنودی خود را از م‌حصول کار ا‌راز می‌داشتند، و برخی دیگر بیانی‌های شبه‌ادبی علیه آن صادر می‌کردند. امروزه شاید بسیاری از انتقادهای آلدو رُسی بر مبنای نظری حاکم بر معماری آن زمان عادی و حتی بدیهی به نظر برسد، اما نباید فراموش کرد که معماران نسل امروز وام‌دار شک‌هایی هستند که نیم قرن پیش توسط وی و معدود طراحان زرف‌اندیش آن زمان تا به امروز شکل گرفته است. انگیزه‌ی ترجمه و نشر این کتاب نیز تا اندازه‌ی زیادی به نگرانی از همین «بدیهی و آسان پنداشتن مسئله» بعد از حل معما، و، از دیگر سو، عارضه‌ی تقلید و کپی‌برداری در جامعه‌ی ما به‌ویژه در میان فعالان حوزه‌ی معماری و مسائل شهری مربوط می‌شود. عارضه‌ی دیگری که گریبانگیر ماست رجوع نکردن به تجربیات دیگران و سعی بیهوده در «اختراع چرخ از نو» است. انگیزه‌ی بعدی از ترجمه‌ی متن پیش رو تأکید بر این مهم است که معماری را نباید در فضا‌سازی و ساختمان‌سازی خلاصه کرد. مفهومی که آلدو رُسی از معماری در این کتاب مطرح می‌کند بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از برداشت مهندسان و برخی از معماران هموطن ما است. او حتی شهر را یک «معماری جمعی» می‌بیند و معنی ساختن را معادل «انجام کاری برپایه‌ی دلیل» می‌داند. وی

تابع کارکرد است» مقاومت می‌کند و می‌ایستد اما وسواس گونه به فرم اهمیت و حقانیتی بیش از استحقاق آن می‌دهد.

۲. رُسی در پی آن نیست که چه گونه می‌توان «زندگی در شهر» را مطلوب‌تر کرد، بلکه آن چه از شهر به دل مشغولی وی تبدیل شده، ظاهر محیط و یا به قول خودش «نظم واقعی معمارانه» ای است که یک شهر، شبکه‌ی ارتباطی، خانه و بناهای عمومی با آن پیروی کنند.

۳. رُسی خود را خردگرا، یا بهتر است بگوییم نوخردگرا، معرفی می‌کند و به ناچار در پی عقلانی کردن معماری است. راسیونالیزه کردن یا عقلایی کردن در صورت، در آن زمان بر حذف حشو و زوائد و صیقل جویی اقتصادی که منجر به جی‌جی‌بیل کرد ماشین به جای نیروی کار بود دلالت داشت.

راسیونالیزه کردن معماری نیز تافته‌ای بافته بر دار همین طرز تفکر بود که با شعار «تزیین جنایت است» آدولف لوس، به حذف تزیینات و آرایش ساده‌ی احجام در کنار یکدیگر می‌پرداخت و به ظن خویش سنت معماری را در مسیر «خردمندانه‌تری» هدایت می‌کرد. اثر این طرز تفکر را در آثار معماری رُسی می‌توان پی گرفت. او تا اواخر دهه‌ی هشتاد در طرح بناهای خود از ترکیب ماهرانه‌ی احجام اولیه و ساده استفاده می‌کرد و در چند سال آخر عمرش بود که از یک خردگرایی متعصب به تدریج به یک

تاریخ‌گرایی مردمی تبدیل شد.

۴. او به رغم موضع سیاسی- اجتماعی‌اش (گرایش‌های چپ) و تأکیدش بر نقش زمان در تغییر و تحولات، هنوز به دنبال کشف اصول و احکام بی‌زمان و بی‌مکان بود و گونه‌شناسی برای او ابزاری نه برای رسیدن به درکی بهتر از پیچیدگی‌های محیطی، بلکه برای دستیابی به احجام هندسی همه‌شمولی بود که در اثر تقلیل حشو و زوائد این قابلیت را پیدا کنند که مانند مدل‌هایی کاربردی در هر طرحی گنجانده شوند.

در اینجا شایسته می‌دانم از همکار محترم، خانم دکتر شمین گلرخ که برگردان این سند تاریخی را بر عهده گرفتند کمال تشکر را داشته باشم. در ضمن تشکر مضاعف دارم که مقایسه‌ی ترجمه‌ی فارسی با متن آلمانی کتاب را به من پیشنهاد نمودند و فرصت مغتنمی شد برای بازخوانی این کتاب. این مقایسه با ترجمه‌ی آلمانی به دقت انجام پذیرفت. حال اگر خواننده‌ی محترم در مقایسه‌ی ترجمه‌ی فارسی و متن انگلیسی کتاب تفاوت‌هایی را ملاحظه می‌کند، به سبب این مجموعه‌ی تکمیلی به متن آلمانی است که برای جلوگیری از سوء تفاهم‌ها و رساندن موفق‌تر منظور نویسنده اعمال شد.

در آخر با تأکید بر باره اهمیت جایگاه این کتاب در سیر اندیشه‌ی معماری و شهرسازی با توجه به این که هنوز نمود پاره‌ای از کج‌فهمی‌های اساسی در ذهنیت و عمل طراحان ما قابل مشاهده است، مطالعه و تفکر درباره‌ی این کتاب را به همه‌ی حرفه‌مندان، پژوهشگران و علاقه‌مندان در حوزه‌های مربوطه توصیه می‌کنم.